



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۶ / ۴ / ۲۴

کاندید اکادمیسین سیستانی

## پیامد سیمناهای آنلاين داکترخالدی و داکترستانیزی

### در رابطه به تعویض روز استقلال افغانستان

از سپتامبر ۲۰۲۵ تا کنون داکترخالدی و داکترستانیزی دو سیمنا آنلاين و یک مصاحبه تلویزونی باحبیب هوتک سازماندهی کردند که پیامدهای هریک از این سیمناها و مصاحبه ها عکس العمل های قلمی عناصر ملی اندیش و مدافعان ارزشهای ملی بوده است.

داکتر زمان ستانیزی و داکتر نور احمدخادی بجای اینکه در مورد مبهم ترین مسایل روز افغانستان یعنی باز شدن دروازه های تحصیلات عالی دختران و زمینه کار برای زنان و خانمهای محروم سیمنا دایر کنند و تجارب و پیشنهادات سالم و سودمند را در اختیار هموطنان خود بگذارند، برعکس در باره تاریخ افغانستان سیمنا دایر میکنند و در آن سعی میورزند تاریخ کشور را بجای ترمیم یا تکمیل، تحریف کنند و با طرح تئوریهای ناقص خود در واقع به شعور قشر تحصیل کرده و آگاه افغان ریشخند بزنند. این طرح های بی بنیاد و غیر سازنده با عکس العمل های عناصر تحصیل کرده روبرو میشود. وبالنتیجه سبب شکاف میان قشر روشنفکر و جدائی آنها میشود و امکان نزدیکی و تفاهم میان اهالی قلم برهم میخورد. البته این خصوصیت روشنفکر شرقی یا جهان سومی هاست.

یکی از پیامدهای این سیمناهای هوسانه و طرح های من درآوردی این است که هر دو داکتر (داکترخالدی و داکتر زمانی) هم در گذشته و هم در حال حاضر مورد انتقاد شدید قرار می گیرند. چنین انتقادهای را علیه موضع گیری جنجال برانگیز این دو داکتر در پورتال افغان جرمن در سال ۲۰۲۵ از طرف داکتر سید عبدالله کاظم و من و لمبه رنگریز و برخی نویسندگان ملی گرای دیگر میتوان در آرشیف مقالات شان مطالعه کرد.

در تاریخ ۲۱ اپریل ۲۰۲۶ باز هم داکترخالدی و داکتر ستانیزی سیمنا آنلاينی تاریخ را برگزار کردند و در آن همان سخنان سست بنیاد سال گذشته خود را تکرار نمودند.

تلاش این دو داکتر اینست که روز پیروزی قیام قندهار بر رهبری میرویس خان هوتکی بر سلطه صفوی ایران در ۱۷۰۹ بحیث روز استقلال ملی، بجای روز ۲۸ اسد ۱۲۹۸ یعنی روز اعلام استقلال افغانستان که در نتیجه جنگ سوم افغان و انگلیس و امضای معاهده صلح راولپندی در ۸ اگست ۱۹۱۹ حاصل شده است جاگزین گردد و روز ۲۸ اسد تنها بحیث روز ملی یاد شود و مثل سالهای قبل تجلیل نگردد.

استدلال این دو داکتر اینست که افغانستان از ۱۷۰۹ تا سال ۱۹۱۹ مستقل بوده و هیچگاه مستعمره کشور خارجی نبوده است. آنها سقوط دولت هوتکی قندهار را بدست نادر افشار نادیده میگیرند. این دو داکتر نقش احمدشاه ابدالی را بحیث مؤسس دولت معاصر افغانستان بعد از ده سال حکومت نادرشاه افشار (از ۱۷۳۸ - ۱۷۴۷) یک گسست تاریخی نمی شمارند و دولت احمدشاه را ادامه دولت هوتکی قندهار میدانند. این دو داکتر، وضعیت تحت الحمایگی افغانستان را بر اثر معاهده گندمک با

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

انگلیس در ماه می ۱۸۷۹ و تأیید آن را توسط امیر عبدالرمن خان در معاهده دیورند در ۱۸۹۳ و ادامه این وضعیت را تا زمان امان الله خان در ۱۹۱۹ در نظر نمی گیرند و میگویند که با مرگ امیر حبیب الله خان معاهدات قبلی خودبخود ملغاً و افغانستان مستقل شده بود و شاه امان الله جنگ سوم رابا بریتانیا بخاطر آزادی هند با انگلیس براه انداخت. خالدی میگوید استقلال جز اینکه پای اتحادشوری را در افغانستان باز کرد دیگر نتیجه ای نداشت. خالدی میگوید روز ۲۸ اسد فقط برای کسانی اهمیت دارد که هوادار کیش شخصیت (اصطلاحی که در مورد رهبران کمونیست و فاشیست بکار میرود) می باشند. (به صحبت داکتر خالدی در یوتیوب در ۲۱ اپریل توجه شود)

همین تذکر سطحی داکتر خالدی درباره علت جنگ سوم افغان و انگلیس، توهین بزرگی به نهضت مشروطیت و مرام آن نهضت و در رأس به شاه امان الله شمرده میشود. نهضتی که برای رسیدن به آزادی و استقلال قربانی های زیادی هم در عهد امیر حبیب الله خان سراج و هم در عهد نادر خان داده بود. بطور نمونه عبدالرحمن لودین و عبدالهادی داوی در زندان ارگ شکنجه های توان سوز را متحمل شده بودند. کشتن غلام نبی خان چرخ و بعد عبدالرحمن لودین و اعدام محمدولی خان دروازی و مهدیخان چنداولی و ده هاتن دیگر از اعضای آن در عهد نادر خان برای این بود که آنها اعضای عمده نهضت مشروطیت بودند. این اشارت داکتر خالدی حتی به کسانی که درباره نهضت مشروطیت افغانستان کتاب و رساله و مقاله نوشته اند نیز توهین شمرده میشود. از اینجاست که میگوئیم داکتر خالدی و رفیق الهام بخش او داکتر ستانیزی تاریخ را تحریف میکنند.

پیامد چنین سخنان ناشایانه همانا نشر مقالات شدیداً انتقادی نویسنده توانای افغان لمبه رنگریز شد که تمام شهرت و دانش این دو داکتر خود خواه و متکبر را با صفر ضرب کرده است. لمبه رنگریز شخصیت تحصیل کرده و با دانش و از هواداران سرسخت شاه مترقی و روشنفکر افغانستان امان الله غازی و نهضت امانی در خارج کشور است. نوشته ها و مقالاتی که از قلم ایشان در دو سال اخیر در فیسبوک و سایت های افغان جرمن آنلاین و دعوت میدیای ۲۴ به نشر رسیده و ما آنها را خوانده ایم بحد تحسین امیزی از فصاحت و بلاغت کلام و استدلال پذیرفتنی برخوردار است که اگر داکتر خالدی و داکتر ستانیزی یک یک داکتری دیگر در ادبیات زبان دری بگیرند باز هم به پایه قلم این بانوی خردمند و پر استعداد افغان نمی رسند.

با آنکه هر دو قیام تاریخی (در ۱۷۰۹ و در ۱۹۱۹) بر ضد سلطه بیگانه منتج به برانداختن یوغ اجنبی از دوش ملت مآشده است، نمی باید خوبی ها و دست آوردهای یکی را فدای دیگری بکنیم. هریک از این رخدادها در زمان و مکان خود برای ما پراهمیت و افتخار آفرین اند. در هریک از این رخدادهای تاریخی مردم ما از خود شجاعت نشان داده اند و قربانی داده اند و آزادی خود را بدست آورده اند با این تفاوت که یکی به آزادی یک ولایت انجامیده و دیگری به آزادی تمام ولایات افغانستان انجامیده است. و نتیجه آن قیام که به آزادی و استقلال کشور منتج شده است، از سوی جامعه جهانی برسمیت شناخته شده و بادست آوردهای جدید از قبیل: ایجاد روابط سیاسی و فرهنگی و تجاری با کشورهای دور و نزدیک افغانستان همراه بوده است. ساختن نخستین قانون اساسی در کشور با عالی محتوای حقوقی که با انفاذ آن بردگی و کار اجباری لغو شد و زنان در حقوق با مردان مساوی شناخته شدند. مکاتب تاسیس شد و معارف در سرتاسر افغانستان برای آموزش فرزندان کشور مجانی و اجباری شناخته شد. اعزام شاگردان برای تحصیلات عالی به خارج از کشور ایجاد سینما و تئاتر و کتابخانه و نشر جراید و مجلات در مرکز و ولایت و غیره اقدامات مدنی برای بیداری جامعه روی کار آمد. خلاصه دست آوردهای استقلال ۱۹۱۹ بی شمار است، چیزی که بعد از پیروزی قیام قندهار وجود نداشت

و مردم از آن بی بهره بودند. لطف چون این دو رخداد در دو مکان مختلف در دو زمان متفاوت و شرایط متفاوت از هم رخداده اند، دست آوردها و ثمرات آنها هم از هم متفاوت اند ولی هردو برای تاریخ ما افتخار آفرین اند.

داکتر خالدی در سیمناری ۲۱ اپریل که موضوع اش: «میرویس خان معمار استقلال افغانستان» عنوان داشت، یاد آور شد که مورخان ما در حق میرویس خان قهرمان ملی افغانستان بی غوری کرده اند و اکنون ما میخوایم او را در جایگاه اصلی اش قرار بدهیم. از سخنان داکتر خالدی چنین بر می آمد که مورخانی چون: پوهاند حبیبی و غبار و کهزاد و فرهنگ و فیض محمدکاتب و سایر استادان تاریخ در پوهنتون کابل حق میرویس خان را زیر پا کرده اند و اکنون داکتر خالدی و داکتر ستانیزی عزم کرده اند تا حق میرویس خان را از غاصبین تاریخ بگیرند و به مستحقش بدهند و آن حق اینست که منبع مردم نه تنها میرویس خان را بنیان گذار استقلال افغانستان بدانند بلکه بعد از این بجای ۲۸ اسد روز استقلال افغانستان از ۲۱ اپریل مطابق اول ماه ثور (هیچ منبع تاریخی فارسی و پشتو این روز را تأیید نمیکند) روز استقلال ملی افغانستان بشمارند و تجلیل کنند.

### ابهام درباره روز قیام قندهار:

در حال حاضر هیچ منبع موثقی بغیر از پته خزانه محمد هوتک وجود ندارد که در عصر میرویس خان نوشته شده باشد و روز آغاز قیام میرویس خان را ضبط کرده باشد. اما آن روز هم با ضبط داکتر خالدی برابر نمی آید. مرحوم حبیبی بحواله «پته خزانه» مینویسد که مولف از قول پدرش روایت کرده که بتاریخ ۲۹ ذی قعدة الحرام ۱۱۱۹ به قتل گرگین و لشکر صفوی اقدام شد. اگر روایت پته خزانه را بحواله حبیبی تاریخ ۲۹ ذی قعدة الحرام بپذیریم، همین تاریخ ۲۹ ذی قعدة الحرام ۱۱۱۹ نیز مطابق ۲۱ اپریل نمیشود.

۲۱ اپریل ۱۷۰۹ به حیث روز استقلال افغانستان حتی اگر هوش مصنوعی هم آنرا تأیید کند باز هم قابل قبول نیست. زیرا هوش مصنوعی همان چیزی را بازتاب میدهد که نویسنده گان سیمنار اخیر قبل از تدویر سیمنار آنرا بدون سند موثق نوشته و به بدست فضای انترنت داده اند. روز آغاز قیام قندهار از سوی هیچ یک از مورخان عصر صفوی و قاجاری و مورخان افغانی ذکر نشده است. مثلاً: سلطان محمد قندهاری حادثه قتل گرگین والی صفوی قندهار را ماه صفر ۱۱۲۱ هجری نوشته اما روز آنرا ذکر نکرده است. نواب صمصام الدوله مورخ عهد قاجاری در تاریخ خود سال وقوع حادثه قتل را (۱۱۲۰ هج) ضبط کرده و خافی مورخ عهد امیر شیرعلی خان میگوید در ۱۱۱۹ هجری بدربار محمد اعظم شاه عالم امپراتور هند خبر قتل گرگین رسید. میرزا محمدخلیل صفوی حدوث این حادثه را سال ۱۱۲۲ هجری نشان داده است. (حبیبی: تاریخ مختصر افغانستان، زیر عنوان هوتکیان)

هیچ یکی از مورخان روز دقیق آن حادثه را تذکر نداده اند. من از هوش مصنوعی چنین پرسیدم: «۲۹ ماه ذی قعدة الحرام سال ۱۱۱۹ مطابق کدام روز و ماه سال عیسوی میشود؟» پاسخ داد: «بر اساس محاسبات نجومی متداول: ۲۹ ذی القعدة سال ۱۱۱۹ هجری قمری تقریباً برابر است با: ۳ یا ۴ فبروری سال ۱۷۰۸ میلادی» دوباره از هوش مصنوعی پرسیدم: درباره میرویس خان معلومات بدهد، در جوابم مقاله داکتر خالدی را گذاشت که در سایت دعوت میدیا خوانده بودم.

بنابراین دیده میشود که خالدی و ستانکزی در تثبیت روز آغاز قیام قندهار در سال ۱۷۰۹ مرتکب جعل تاریخی شده اند. فقط آنچه همه منابع فارسی و پشتو در ذکر آن متفق القول اند اسم ماه صفر است که

در پیشوند سالهای : (۱۱۲۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۰، ۱۱۱۹ هـ) آمده است.

به نظر میرسد که این دو داکتر شوقی تاریخ، برای حذف دست آورد بزرگ شاه امان الله، این شخصیت کاریزماتیک کشور پروژۀ گرفته اندوبه همین خاطر تلاش میورزند تا به اشکال مختلف ماحصل جنگ سوم افغان وانگلیس (استقلال افغانستان) را کم ارزش جلوه دهند، مگر این بار با رودخروشان اندیشه و قلم لمبه رنگریز (ن. جلیزاد) نویسنده کم نظیر افغان روبرو شدند و هرچه کاشته بودند سیلاب قلم لمبه جان برد. خوشبختانه لمبه جان چون سرباز دلیر نهضت امانی جلو تحریفگران تاریخ را میگیرد و در این راه از چنان پوتانسیل و ظرفیتی برخوردار است که یک تنه میتواند پاسخ دشمنان استرداد استقلال را بدهد، البته که من و داکتر صاحب کاظم و ده هاتن از مدافعان ارزش های ملی و علاقمندان شخصیت های ملی و هواداران نهضت امانی از موضع گیری این نویسنده محبوب حمایت میکنند. پایان

آرشیف: مقالات کانديد اکادميسن سيستاني

---

د پانو شميره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ